

پرده نقره‌ای

احتمال بازگشایی سینماها
از عید فطر



همزمان با آغاز به کار مشاغل کم‌خطر از سی‌ام فروردین ماه ۱۳۹۹، زمزمه‌هایی مبنی بر بازگشایی سینماها همزمان با عید سعید فطر (۱۵ خرداد) شنیده می‌شود.

موضوعی که قرار است روز چهارشنبه سوم اردیبهشت در پنجمین جلسه کارگروه بررسی آسیب‌های کرونا در سینما بررسی شود. میزان و نحوه کمک خانه سینما به اعضای نیز از دیگر دستور کارهای این جلسه خواهد بود.

همچنین شنیده می‌شود احتمال از سرگیری فعالیت‌های سینمایی و تولید فیلم‌ها، زودتر از بازگشایی سینماها وجود دارد. پیش‌تر در یکی از جلسات ستاد ملی کرونا با حضور رئیس جمهور، تحلیل‌گران اشاره شد که در آن سهم سینماها در انتقال بالقوه کرونا فقط ۰.۰۹ درصد پیش‌بینی شده بود.

گفته می‌شود فیلم‌های کم‌دردی و پر مخاطب در بازگشایی سینماها شانس بیشتری برای اکران دارند تا هر چه زودتر رونق را به چرخه سینما بازگردانند. باید منتظر ماند و دید پس از بازگشایی سینماها، مخاطبان از آن استقبال می‌کنند یا همچون چین، تماشاچیان ترجیح می‌دهند با احتیاط بیشتری نسبت به این موضوع برخورد کنند؟

سینمای بالکنی، ابتکار شهرداری
مادر پدر در مقابله با کرونا

در حالی که شهر مادرید بیش از ۵۰ هزار مورد ابتلا به ویروس کرونا در جایگاه نخست درگیرترین شهرهای اسپانیا قرار دارد، شهرداری مادرید در ابتکار عملی جالب، با اکران فیلم از طریق نمایشگرهای بزرگ تلاش دارد که شهروندان را در روزهای قرنطینه در خانه سرگرم کند.

به گزارش خبرگزاری اسپوتنیک، شهرداری شهر مادرید با همکاری برخی شرکت‌های فیلم‌سازی از جمله «مازون پرایم ویدئو» و «کستور پلاس» ابتکار عملی با تعبیه کردن صفحه نمایشگرهای ال‌ای‌دی غول‌پیکر روی کامیون‌های مجری به سیستم صوتی قدرتمند، در برخی از میدان‌های اصلی شهر این امکان را برای شهروندان فراهم کردند که به صورت رایگان از پنجره‌ها و بالکن‌های منازل خود به تماشای فیلم‌ها و سریال‌های مختلف بنشینند.

«بگوینا بیسیس» معاون شهردار مادرید اعلام کرد: این اقدام شهرداری که «سینمای بالکنی» نامگذاری شده است، با هدف سرگرمی مردم و راحت‌تر تحمل کردن روزهای قرنطینه و شش‌انگیزای خانواده‌ها صورت گرفته است. طبق اطلاعات شهرداری، اکران فیلم‌ها که از ۱۳ آوریل (۲۵ فروردین) آغاز شده، هر شب راس ساعت ۲۰:۴۵ تا ۲۴:۴۵ آوریل (پنجم اردیبهشت) در همه ۲۱ محله مادرید ادامه خواهد داشت. شیوع کرونا و آمار جانباختگان این ویروس در هفته‌های ابتدایی به قدری شتابمندی بود که شهرداری چهار روز عزای عمومی اعلام کرد.

اقدام خیرخواهانه سلمان خان



سلمان خان بازیگر مشهور سینمای بالیوود در نظر دارد از ۲۵ هزار خانواده کم‌درآمد و بی‌بضاعت حمایت کند. وی در این خصوص اعلام کرد: طی مدت اجرای قرنطینه عمومی یعنی ۲ ماه به هر کدام از این خانواده‌ها مبلغ ۳ هزار روپیه هندی پرداخت خواهد شد. سلمان خان تصریح کرد: مردم هند با مشکلات زیادی مواجه هستند به دلیل شیوع کرونا کارگران روزمزد نمی‌توانند فعالیت اقتصادی داشته باشند. این ستاره بالیوود اضافه کرد: امیدوارم کمک من بتواند باعث کمتر شدن مشکلات خانواده‌های بی‌بضاعت شود.

«نون‌خ» به رگم مضامین
خوب اجتماعی، خانوادگی
و بومی، با نگاه تحلیلی،
واقف‌گرا و عمیق به سراغ
آنها رفته است. در واقع
این مقوله‌ها دستاویزی
بوده‌اند، برای ساختن
یک سریال خانوادگی که
چاشنی خنده هم داشته
باشد

نوری هم طبق معمول جلو افتاده بود و قافله سالار بود. کیوان در رقابت با نوری اعتراض کرد که چرا او جلو افتاده و ترجیح می‌دهد خودش برود مذاکره کند. نوری بالحنی ساده جواب داد: من چال گونه دارم، مردم بهتر باهام ارتباط برقرار می‌کنند!

تا چند دقیقه به این دیالوگ بامزه می‌خندیدم و حالا هم هر وقت یادش می‌افتم نمی‌توانم از خنده خودداری کنم. «نون‌خ» پر از این جور دیالوگ‌های بامزه با اجرای دوست‌داشتنی سعید آقاخانی در ساختار و فضایی اسبورد است (جلسه بی‌نظیر هیأت داوران انار کاران که یادتان هست!). از دیشب خلیل هم که آمد؛ نور علی نور... حالا نخیه گریبان را اجاره کرده بودند مذاکره کنند، بلکه بتوانند آن را پس بگیرند.

و فرار نکردن از ارائه تصویر از محیط پیرامون که به فضاسازی بسیار کمک می‌کند، طراحی لباس و صحنه و ایجاد موقعیت‌های کمیک با چاشنی‌های کلامی به قاعده، از ویژگی‌های مثبت سریال «نون‌خ» محسوب می‌شود. سعید آقاخانی پس از دریافت سیمرغ بهترین بازیگر مرد برای بازی در فیلم «خدا حافظی طولانی»، به فصلی جدید از دوران حرفه‌ای خود سلام کرده است. گام‌هایی سنگین‌تر که او را از سریال‌های طنز و آیت‌های «ساعت خوش» جدا کرد و به یکی از بازیگران قابل‌اتکا در درام‌های پیچیده و جدی نیز تبدیل کرده است.

حالا در این شب‌هانوراالدین خانزاده یکی از بهترین شخصیت‌های سال‌های اخیر تلویزیون است که بی‌تردید هیچگاه از ذهن مخاطبان دور نخواهد شد و آقاخانی باز هم با بهره‌گیری از توان بازیگری خود، خوش درخشیده و در این روزهای پربه‌بها و اما خالی تلویزیون، توانسته اثری قابل‌تامل و بدون ادعارا ارائه کند.

هوشنگ گل‌گمانی، منتقد نامدار سینمای ایران هم در یادداشتی در صفحه اینستاگرام خود به تمجید از سریال «نون‌خ» پرداخت و نوشت: «دیشب داشتند می‌رفتند با کسانی که چادر کیوان را اجاره کرده بودند مذاکره کنند، بلکه بتوانند آن را پس بگیرند.»

و مناسبات زندگی خانوادگی و اجتماعی هم‌وطنان کرد، نیازمند پژوهشی گسترده، پرداختی خوب، وفادارانه، تاثیرگذار و هنرمندانه است. میثم محمدی هم در فیلم‌نویز درباره «نون‌خ» نوشت: دورترین تصویری که از آقاخانی در ذهن مخاطبان دهه هفتاد تلویزیون وجود دارد، نقش سعید در آیت خان دایی‌جان مجموعه «ساعت خوش» است که با لحنی کودکانه در کنار نادر سلیمانی بازی می‌کرد. شاید کمی دور از ذهن بود که او را بیش از ۲۵ سال بعد در چنین جایگاهی تصور کنیم که با تداوم حضورش در عرصه تلویزیون و سینما جای پای خود را به قدری محکم کند که حتی در جشنواره فیلم فجر هم بدرخشد.

اما باید این‌ها را فراموش کرد و با قدرت «نون‌خ» - هر دو شماره این سریال - را بهترین مجموعه آقاخانی در مقام کارگردانی دید، آن هم نه با نگاه کلی و سطحی، بلکه در قیاس با مجموعه‌های مدعی این سال‌ها، هم در زمینه فیلمنامه، هم کارگردانی و هم بازیگری و جنبه‌های ریز و درشت بصری، بسیار یکدست و درست کار شده است.

شخصیت پردازی‌های درست و بهره‌گیری از بازیگران ناشناخته‌ای که بهترین نحو ممکن ایفای نقش کرده‌اند، استفاده به جا و اندازه از لوکیشن‌ها



که به گونه‌ای در امتداد تولید پایتخت و توجه به رکن خانواده و فرهنگ بومی و ملی ساخته شده است، با آنکه به اندازه پایتخت - منتهای فصل ششم - جمع و جور نیست، ولی برای خود مشتری دارد. «نون‌خ» به رگم مضامین خوب اجتماعی، خانوادگی و بومی، با نگاه تحلیلی، واقف‌گرا و عمیق به سراغ آنها رفته است. در واقع این مقوله‌ها دستاویزی بوده‌اند، برای ساختن یک سریال خانوادگی که چاشنی خنده هم داشته باشد. چرا که توجه درست به فرهنگ، ادبیات، زبان، آیین‌ها، سنت‌ها

ساخته است، در جهت سرگرم‌سازی مخاطب، تولید شده است. «نون‌خ» یک سریال خانوادگی و اجتماعی است که در کلام و رفتار کاراکترهایش، از شوخی، لودگی و بذله‌گویی سوسودرده است. گرچه شوخی و خنداندن به هر شکل و صورت، یک فیلم یا سریال را در ژانر طنز و کم‌دردی نمی‌گنجاند، لیکن وجود آنها در یک سریال تلویزیونی، آن هم در شرایط نامساعد اجتماعی کنونی و یک تازی کرونا و ماندن مردم در خانه، قابل تامل است.

«نون‌خ» این بار غافلگیرکننده ظاهر شده، طرح بحث در بافتی منسجم و گنجاندن شوخی‌ها در ساختاری خوش‌ریم به علاوه بسازی هنرمندانه با خط قرمزها تا اینجا «نون‌خ» را موفق‌ترین کار کارنامه سعید آقاخانی نشان می‌دهد تا جایی که واکنش‌ها عمدتاً مثبت است.

جبار آذین منتقد سینما و تلویزیون درباره این سریال به خبرگزاری فارس می‌گوید: آقاخانی، هنرمندی کاربلد است و رگ خواب تماشاگر را می‌داند و آنچه با عنوان فصل دوم «نون‌خ»

نقد

درباره «خروج» اولین اکران آنلاین سینمای ایران

کاش فیلم در همان دقایق ابتدایی می‌ماند!

ایمان عبدلی

قاعده که قرار است اکسیر شفا بخش تمام دردها را داشته باشد و با عصای موسی سحر کند و پرچم اعتراض هم زمین نیفتد.

او عنصر اساسی درام است و قرار است هر کنشش پیش‌برنده روایت باشد، تمام آدم‌های پیرامون او که در تریلر جاده‌ای «خروج» همراه می‌شوند، تیپ‌هایی هستند که یک جایگاه را نمایندگی می‌کنند، پس تمام رفتارهایشان قابل پیش‌بینی است. «ملا آقا» تیپیی از یک روحانی خوش‌دل و در قرائتی رادیکال‌تر حتی ساده‌دل است که مقبولیت اجتماعی دارد و مورد احترام است اما زو مانمی تواند پیش‌قول باشد، او چند موضع متضاد می‌گیرد و در نهایت برای مذاکره با رئیس‌جمهور به دلیل آن که او هم روحانی است به عنوان گزینه مطرح می‌شود! چون روحانی زبان روحانی را بهتر می‌فهمد.

می‌کائیل که رئیس شورای روستاست اما آدم اهل مذاکره است و در سکانتس خطبه‌ای فرماندار در میانه‌ی مسیر او به اهمیت مذاکره تأکید می‌کند! او را تیپیی ترسو و اهل معامله می‌بینیم که اگر چه تا انتهای مسیر همراهی می‌کند اما همراهی‌اش هم از سر ترس و مصلحت است و اعتقادش از همان اول بازگشت به روستاست. او اعتماد به نفس کافی ندارد و چند جایی هم از طرف هم‌زمانش مورد کنایه و طعنه قرار می‌گیرد. اشاره‌ها شمارا احتمالاً به یاد مایه‌ها از آن‌هایی در دنیای سیاست می‌اندازد!

دقایق ابتدایی «خروج» خیرترین کار چند وقت اخیر حاتمی کیامی داد، اما ای کاش فیلم در همان دقایق ابتدایی می‌ماند. فیلم هر چه جلوتر می‌رود در شبی نرولی از یک اثر بصری قدرتمند رفته رفته تبدیل به یک مقاله سیاسی و اجتماعی می‌شود. انگار فیلمساز از جایی به بعد حوصله نمی‌کند یک هنر مند ظریف باشد و ترجیح می‌دهد یک بولتن نویس عصبی و در عین حال وبا عرض معذرت پوپولیست بماند.

من در اینجا شاقول را کارهای خود حاتمی کیامی می‌گذارم. از کارگردانی که آثارش چون «آژانس شیشه‌ای» و «به رنگ ارغوان» را در کارنامه‌اش دارد، توقع می‌رود برای پیشبرد روایتش به مفصل‌های روایی قدرتمندتری دست بیاندازد. داستان «خروج» اما سرشار از بازی‌گوشی‌های نمادین و عناصر تیپیکال است. جدا از این که چنین سینمایی اصولاً کهنه و دم‌ده است با چنین فضایی در واقع فیلمساز با استفاده از پیش زمینه‌های ذهنی مخاطب است که فیلم را جلو می‌برد. رحمت بخشی که هنوز هم جلوه دیگری از حاج کاظم است را هیچ تماشاگر غیر ایرانی درک نخواهد کرد. پیرفرزانه‌ی قبا بر دوش که حالات عاطفی‌اش در کمینه است، همان کعبه آمل فکری تیپ حاتمی کیامی هاست. مردی به



و اندیشه آن هاقضاوت کرد و خودشان هم راضی نیستند. برای او و همفکرانش اعتقاد بالاتر از فرم قرار می‌گیرد و چه بد که گاهی حاتمی کیامی در حد کسی مثل دهنمکی نرولی پیدا می‌کند.

اگر دهنمکی سینما نمی‌داند و فیلم‌هایش پر از میزاسن‌های نودشبی ست، حاتمی کیامی که سطله کامل بر سینما دارد و حتی کسانی چون مهدویان همین‌حالا در کلاس درس او تلمذ می‌کنند و در ریغ که چنین کارگردان کاربلدی، یک ربع انتهایی فیلمش را به شش‌ریغی نیا بدهد با آن خطابه‌ها و میمیک کودکانه. دریغ که که ظرافت اسلوهای موزیکال «بوی پیراهن یوسف» تبدیل به دیالوگی شود! این مضمون بر رئیس‌جمهور، رئیس هم‌اس و یا جمهور یعنی مردم! شاید این دیالوگ‌ها و خطابه‌ها و حتی وعظ‌ها، چند کامنت مثبت بگیرد، اما اگر مراد حاتمی کیامی تغییر چیزی در ذهن تماشاگرش باشد، این پرسه شکست‌خورده و بیداست که تغییری رخ دهد!

لبخند هم در فیلم حاتمی کیامی شاعر است. توجه کنید که مراد و منظورم تطهیر بی‌بی‌سی و یارد نیرنگ‌های فضای مجازی نیست، اما شکل بیان در «خروج» شکل آونگار و پیش‌روی نیست و این را در یک سریال تولید «آی‌فیلم» هم می‌بینیم چه نیازی است که به سینما برویم و فیلم حاتمی کیامی را ببینیم.

حالا هر چقدر هم که حاتمی کیامی در کار با دوربین و استفاده از هلی‌شات و گرافیک کامپیوتری حرف‌های عمل کرده باشد، باز هم آن چه که مشهود است حرف او است، چون سینمای حاتمی کیامی مثل «دعوت» هم مبتنی بر حرف است. انکار نمی‌کنم که در همین «خروج» با یک کارگردان حرفه‌ای طرفیم که نبض روایتش را در روندی سینوسی تا قبل از آن یک ربع پایانی فاجعه‌بار سحر حال نگه می‌دارد و فیلم در تمام طول جاده نفس دار اما نمی‌شود و احتمالاً نباید فیلم‌های نفراتی چون حاتمی کیامی را بیرون از اعتقاد

مهربانو که یک مادر شهید هم هست و وجودش به نوعی رگه‌ی عاطفی و احساسی فیلم «خروج» را زنده نگه داشته، از تیپ زن‌های قدرتمند و لجباز و پایداری است. تفکر نزدیک به حاتمی کیامی را این گونه می‌خواهد. مشابه کاراکتری که مریدا زارعی در «بادیگارد» داشت. در حاشیه مردان و تیماردار آن‌ها، سکانتس آبی تیپ کشاورزان در میانه‌های مسیر و یادگیری در یک استراحت‌گاه که در هر دو بار مینو ایجاب حمایتی از یک زن را نشان می‌دهد و بیشتر به وجه مادرانگی‌اش تأکید می‌شود، مطابق با الگوهای سینمای دهه اول بعد از انقلاب است که زنان نه به عنوان ابره جنسی، بلکه بیشتر به عنوان مادر - حمایت‌گرا باز تولید می‌شدند.

حتی اسماعیل هم که پاساژ روایت بر دوش اوست هم سرشار از مضمون است. یعنی حاتمی کیامی در عنصر مفرح داستانش هم کلی عقیده و اعتقاد تزریق کرده. اسماعیل لپچه آذری دارد و اصلاً همین تمهید لپچه او به عنوان کارکردی کمیک کمی کهنه است و از طرفی او دائم گوشی به دست است و نماد انسان‌های وابسته به فضای مجازی است که دائماً تمام زندگی‌اش را به اشتراک می‌گذارد و اصلاً همین فیلمبرداری او از وقایع در فضای مجازی به دست رسانه‌های چون بی‌بی‌سی می‌رسد و بعدتر همراهانش به او بابت این ساده‌لوحی کنایه می‌زنند. یعنی حتی



مسئله‌ی «ماجرای نیمروز رد خون» از یک عکس شروع می‌شود، عکسی از سیما همسر افشین. افشین یک مامور رده بالای امنیتی است، سیما مادر اردوگاه گروهک رجوی قرار دارد. نیمه‌ی اول فیلم متعلق به افشین است، کاراکتری کم‌هویت و سردرگم و سرگردان که حتی تیپ هم نیست، یعنی اگر فرض بگیریم کمال یک هجو یا کاریکاتور از

عرضه «ماجرای نیمروز، رد خون» در نمایش خانگی

ماجرای افشین، ماجرای سیما، مساله ایران

آبان نامجو

عرضه «ماجرای نیمروز، رد خون» در شبکه نمایش خانگی دوباره بحث‌ها درباره مقوله مستندنمایی آثار مهدویان را داغ کرده. پیش از این و در زمان اکران فیلم، یادداشتی مفصل‌تر از آن چه که حالا پیش‌روی شماست درباره‌اش نوشته‌ام، این نسخه‌ای کوتاه‌تر از آن یادداشت است.